

تأثیر خودشناسی بر ایجاد کیفیت زیستی در معماری مکان‌های مذهبی

(نمونه موردی: مسجد جامع دزفول)^۱

احمد صرافزاده*، مینو قره‌بگلو**، محمدعلی کی‌نژاد***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

چکیده

یکی از جنبه‌های تعاملی انسان، ارتباط با خود است که در این رابطه از یک طرف انسان به‌عنوان موجودی خودآگاه و در طرف دیگر، خود واقعی انسان قرار می‌گیرد. به‌نحوی که حواس مشترک، متأثر از ماهیت وجودی وی بوده و بر کیفیت زیستی تأثیر می‌گذارد. کیفیت زیستی در سطوح مختلف ایجاد شده و در تعامل با انسان، محیط را شکل می‌دهد. همچنین هدف پژوهش ارزیابی جنبه‌های زیستی مؤثر بر روابط درونی خودشناسی میان انسان و کالبد معماری می‌باشد. تحقیق حاضر تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی است که در جنبه کیفی، با استفاده از توصیف، مشاهده و مطالعه کتابخانه‌ای و در جنبه کمی از داده‌های عددی و تحلیل به روش علمی کوداس استفاده می‌شود. یافته‌های تحقیق گویای شکل‌گیری رابطه‌ای درونی است که بر کیفیت محیط تأثیر گذاشته و متأثر از جنبه‌های خودشناسی انسان؛ سطوح کیفی مختلفی را ایجاد می‌کند. همچنین نتیجه این پژوهش نشان داد که طراحی هدفمند در جهت شکل‌دهی به کیفیت زیستی، به‌ترتیب متأثر از حواس مشترک ایمان، زمان، وحدت، حضور، مکان، امان و آگاهی می‌باشد. به طوری که در رابطه‌ای مستقیم میان مؤلفه‌های مستقل (کالبدی فضایی، جمعی رفتاری، ادراکی روانی) و مؤلفه‌های وابسته (حواس مشترک) شکل گرفته و بستری برای دستیابی به زیستی مطلوب است. بنابراین می‌توان این موضوع را ناشی از رابطه درونی میان سه جنبه آگاهی بر خود، حواس مشترک و معماری در نظر گرفت که با توجه به رابطه میان مؤلفه‌های مستقل و وابسته در معماری شکل می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مکان، خودشناسی، کیفیت زیستی، مسجد جامع، دزفول

۱. مقاله مستخرج از درس سبک زندگی اسلامی و شکل‌گیری معماری، مقطع دکتری دانشگاه هنر اسلامی تبریز می‌باشد.

ah.sarrafzadeh@tabriziau.ac.ir

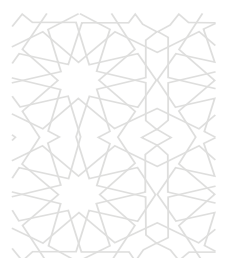
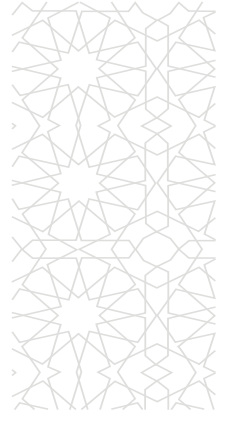
* دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

** نویسنده مسئول: استاد معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

ma_kaynejad@tabriziau.ac.ir

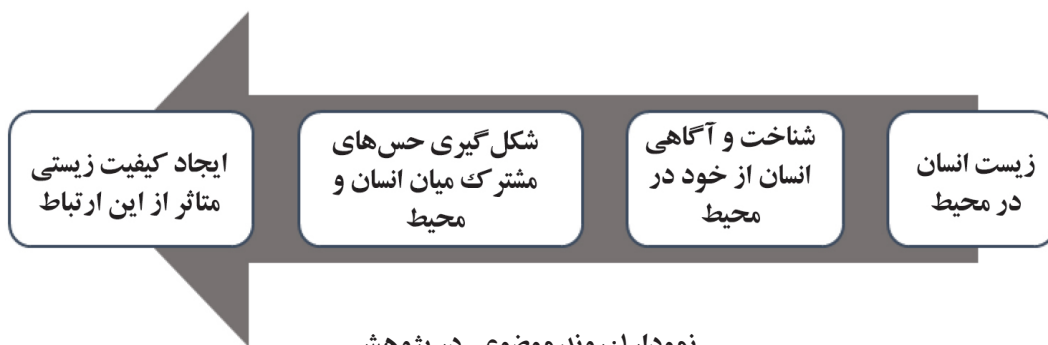
*** استاد گروه مهندسی محیط زیست، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران



مقدمه

انسان هر لحظه زندگی خود را با ارتباطات سپری کرده و نقش‌های متفاوتی را می‌پذیرد. این ارتباطات در رفتارهای بیرونی انسان نمایان شده و در زندگی وی مؤثر است. از این رویکی از حوزه‌های ارتباط انسانی، ارتباط وی با خویشتن است که در این ارتباط وجود طرف دیگر ضروری است. به همین سبب در ایجاد ارتباط انسان با خود، طرف اول انسان به عنوان موجودی خودآگاه و طرف دوم، خود واقعی و حقیقت وی است (آل بویه، ۱۳۸۸). ارتباط انسان با خویشتن در جامعه اسلامی، دارای چارچوب‌هایی برگرفته از تفکرات و اندیشه‌های مرتبط با زیست انسان ایجاد شده و محیطی مطلوب را برای این موضوع فراهم می‌آورد (معمدی، ۱۳۹۲). در مفهوم ارتباط انسان با خویشتن، موضوع مورد اهمیت کیفیت زیستی و سلامت انسان مطرح می‌باشد که می‌توان آن را در ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد (همان)؛ (دیرخانه شورای عالی انقلاب

فرهنگی، ۱۳۹۲). به همین خاطر روندی برای مطالعه حاضر از شناخت انسان از خود تا ایجاد کیفیت زیستی مطرح می‌شود. که در صدد پاسخ‌گویی به سوال پژوهش «چگونه می‌توان با خودشناسی انسان به کیفیت زیستی از مکان‌های مذهبی دست یافت؟» در کنار توجه به هدف پژوهش است. هدف پژوهش در راستای ارزیابی و شناخت جنبه‌های زیستی خودشناسی و رابطه درونی ایجاد شده میان انسان و معماری می‌باشد. به طوری که حواس مشترک ایجاد شده میان انسان و محیط، متأثر از خودشناسی انسان و توانایی‌های وجودی وی است (یعقوبی سنقرچی و اسلامی، ۱۳۹۶). از این رو شناخت انسان از خود بستری برای شناخت محیط معماری را ایجاد کرده و تحت حواس مشترک ایجاد می‌گردد (شفیعی و اسلامی، ۱۳۹۶). همچنین حواس مشترک در سطوح مختلفی از کیفیت زیستی قرار گرفته و در ارتباط با انسان شکل می‌گیرد.



نمودار ۱: روند موضوعی در پژوهش

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در زمینه موضوع، می‌توان بیان نمود که برخی از پژوهشگران به صورت مجزا بخش‌هایی از موضوعات مرتبط را مطرح نموده‌اند که می‌توانند زمینه‌ای مقدماتی برای پژوهش حاضر محسوب شود. این تحقیقات برپایه

در راستای روند پژوهش (نمودار ۱) رابطه بین خودشناسی انسان و محیط معماری تحت تأثیر حواس مشترک ایجاد شده و سطوح زیستی را ایجاد می‌کند. از این رو پژوهش حاضر بر مبنای نگاه فرهنگ اسلامی و با توجه به ارتباط میان انسان با خود و جنبه‌های کیفی زیست انسان، به موضوع تحقیق می‌پردازد.

و می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل گیرد. جلالی و همکاران در پژوهشی با عنوان «کیفیت مسکن از نگاه شهروندان اصفهانی» بیان می‌کنند که کیفیت زیستی مفهوم گسترده‌ای از معانی است و برخی آن را قابلیت زیست پذیری در یک ناحیه، برخی دیگر سنجه‌ای برای میزان جذابیت و برخی دیگر نیز رفاه عمومی، بهزیستی، شادکامی یا رضایتمندی معنا می‌کنند. همچنین در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که ارتقا کیفیت زیستی در ارتباط با کیفیت کالبدی (نو بودن، بزرگ بودن، توجه به تأسیسات سالم و زیربنایی مناسب)، اقتصاد (ثبات و سلامت اقتصادی، ساماندهی هزینه‌ها و کنترل آن)؛ موقعیت قرارگیری (زیبایی، امنیت، دسترسی مناسب به سایر فضاهای خدماتی) و عوامل اجتماعی و فرهنگی (روابط اجتماعی، تناسب فرهنگی و اجتماعی همسایگان، حریم و آسایش ذهنی) آن می‌باشد که باید در معماری در نظر گرفته شوند (جلالی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۵)؛ (بهمنی و قائد رحمتی، ۱۳۹۵). هاشم پور و سامی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «کیفیت محیطی مؤثر در زیست پذیری مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی امام، چمران و آسمان شهر تبریز)» بیان می‌کنند که حیات‌پذیری در معماری بستگی به حیات انسان و مؤلفه‌های کیفیت محیط‌داری و می‌توان آن را در جنبه‌های مختلف ادراکی و مادی بررسی نمود. همچنین مؤلفه‌های مادی تحت تأثیر عوامل کالبدی (تعدد فضا، تراکم، نوع مصالح ساخت، گونه شناسی و تنوع، دسترسی)، عوامل زیست محیطی (توجه به اقلیم، مخاطرات طبیعی، رعایت همجواری‌ها، وجود طبیعت، عدم وجود آلودگی‌های محیطی) و مؤلفه‌های ادراکی در جنبه‌های فرهنگی (اعتقادات مذهبی، هویت، روش زندگی)؛ جنبه روانی (امنیت، حس مکان و قلمروهای رفتاری) و جنبه اجتماعی (مشارکت و پیوند روابط افراد با یکدیگر) قرار

ارتباط انسان با معماری و عوامل ایجاد کیفیت زیستی می‌باشد که رابطه‌ای مؤثر میان آنها برقرار می‌کند. به طوری که روابط انسان و معماری جایگاه ویژه‌ای داشته به طوری که درک انسان و کالبد معماری رابطه‌ای مستقیم با یکدیگر دارند. همچنین مکانیسم ارتباط انسان و معماری با رویکرد پدیدارشناسی و تبیین دو مفهوم روح مکان و حس مکان به عنوان مبنایی برای افزایش ارتباط ایجاد شده و مکان‌سازی مطرح می‌گردد (نگین تارجی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۸). در این راستا پارسی و پورهادی گوابری (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین و تدوین مؤلفه‌های مؤثر در طراحی فرم معماری محیط‌های درمانی» بیان می‌کنند که مکان معماری و مناسبات انسانی (همچون مناسبات اجتماعی و فرهنگی و غیره) در عملکرد فضا مؤثر بوده و توجه به آنها زمینه‌ای برای بهبود کیفیت فضا و شفاف‌بخشی آن می‌باشد. همچنین میان معماری و زیست افراد رابطه‌ای قوی برقرار بوده که تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم را بر انسان ایجاد می‌کند و لازم است تا دو جنبه آن در طرح‌های معماری در نظر گرفته شوند. همچنین سلامت جسم و روان افراد تحت تأثیر رابطه انسان و محیط معماری است که در ایجاد کیفیت زیستی افراد نقش قابل توجهی دارد (Ornhanberger et al, 2017). مطالعات نشان می‌دهند که تحلیل و بررسی رفتارهای انسان در طراحی محیط معماری نه تنها باعث بر کیفیت زیستی مؤثر است، بلکه باعث بهبود در الگوی رفتاری کاربران می‌شود (لطیفی و سجاذزاده، ۱۳۹۳: ۱۸). بر همین مبنای، می‌توان مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری کیفیت زیستی در مکان‌های معماری را در جنبه‌های ذهنی (مؤلفه‌های ادراکی، اجتماعی، مدیریتی) و عینی (مؤلفه‌های ریخت، کارکرد، طبیعت) مرتبط دانست (صارمی و بهرا، ۱۴۰۰: ۲۰). کیفیت زیستی یکی از جنبه‌های معماری است که زمینه آسایش و آرامش افراد را فراهم می‌نماید

می‌گیرند. از این رو ایجاد معماری با کیفیت مطلوب در نگاه جامع به آن، تحت تأثیر نیازهای کاربران، طراحی متناسب با کاربری و کیفیت مطلوب ساخت ساختمان می‌باشد (Almusaed & Almssad, 2020: 3586). همچنین مطالعات صورت گرفته نشان دهنده ابعاد مختلفی از تحقیق به صورت مجزا بوده که در چارچوب روابط انسان در محیط معماری و کیفیت زیستی مطرح شده‌اند. این موضوعات به صورت مجزا بررسی شده و ارتباطی واحد میان آنها برقرار نشده است. در حالی که پژوهش حاضر در تلاش است تا ارتباط میان بُعد وجودی انسان در ایجاد کیفیت زیستی با نگاه فرهنگ اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. بر همین اساس موضوع این پژوهش در چارچوب تفکرات اسلام و میزان ارتباط آن با زیست افراد در معماری مکان‌های مذهبی شکل می‌گیرد.

مبانی نظری پژوهش

شناخت انسان از خود

شناخت به عنوان موضوعی با اهمیت و برای کشف حقایق کاربرد دارد که پژوهشگران علوم مختلف با شناخت مسائل به سطحی از حقایق وجودی دست می‌یابند. یکی از این حقایق، خودشناسی انسان است که با تعمق و کشف ابعاد آن، مسیری جدید از حقایق وجودی انسان به دست می‌آید. حقایق و شناخت پیچیدگی‌های انسان دارای ابعاد مختلفی است که مستعد درک بیشتر و بهتر مفاهیم خودشناسی می‌باشد (مهدی‌پور و بهادری، ۱۳۹۰: ۸۸). همچنین انسان نیز خود موجودی کنجکاو بوده و به دنبال کشف حقایق وجودی خویشتن می‌باشد که یکی از این حقایق، شناخت و دستیابی به ذات باری تعالی است. به این ترتیب حضور نفس الهی در خلقت آدمی، زمینه کشف انسان‌شناسی و شناخت وی از خود

می‌باشد که با توجه به مفاهیم و تعمق انسان‌شناسی، دستیابی به این حقیقت موضوعی دشوار است (رجبی، ۱۳۹۲: ۹۰). دشواری این موضوع با در نظر گرفتن مفاهیم شفافیت و حضورپذیری سبب کشف حقایق و شناخت ارتباط زیستی انسان می‌گردد. از این رو بهره‌مندی از کیفیت زیستی را می‌توان در شناخت از رفتارهای سازمان یافته متأثر از باور و اعتقادات، فرهنگ و ارزش‌های یک جامعه دانست (نوروزی، ۱۳۹۹: ۷۶) که چارچوب‌های مرتبط با اسلام و خداوند متعال را شکل می‌دهد. با این وجود خودشناسی در این راستا زمینه‌زیست اسلامی را ایجاد کرده و بهره‌مندی از آن در سطوح مختلف زیستی ایجاد می‌گردد. خودشناسی به معنی شناخت خود و دانایی بر نفس خود است که موضوعی برای خداشناسی محسوب می‌گردد (دهخدا، ۱۳۸۵). در موضوع خودشناسی به مطالعات انسان‌شناسی و بررسی ماهیت وجودی انسان پرداخته می‌شود که خودشناسی در آن به عنوان یک مفهوم فلسفی یاد می‌شود (Gallup, 1979). همچنین می‌توان آن را به عنوان یک جنبه تربیتی در نظر گرفت که به کشف استعداد، رفتار و اعمال انسانی می‌پردازد (ستاری و جوانی، ۱۳۹۸: ۱۵۰). صاحب‌نظران و متفکران تعاریفی در رابطه با خودشناسی انسان ارائه می‌دهند که دارای جنبه‌های مختلفی می‌باشد (نمودار ۲). ملاصدرا خودشناسی را یکی از موضوعات پر اهمیت دانسته که با تدبیر از ماهیت وجودی انسان و معرفت پیدا کردن وی از نفس خود، شکل می‌گیرد (رجبی، ۱۳۹۲). همچنین ابن عربی در این رابطه بیان می‌کند که مسیر دستیابی به معرفت الهی در شناخت نفس انسانی و وجود خود است (مهدی‌پور و بهادری، ۱۳۹۰). همچنین جایگاه خودشناسی در سطحی با اهمیت بالا در نظر گرفته شده و می‌توان آن را به عنوان مسیری برای دست

می‌گردد. رشد و تعالی انسان در ارتباط با گذر از سیر مراتب وجودی و دستیابی به مفهوم خودشناسی فرآهم می‌آید که بر اساس نمودار ۲، دارای جنبه‌های مختلفی می‌باشد. به طوری که می‌توان هویت، جایگاه و تکامل انسان را از موضوعات مؤثر بر خودشناسی انسان در نظر گرفت ولی موضوع خاص و مورد اهمیت در شکل‌گیری موارد مذکور، به ذات انسانی و حقیقت وجودی وی باز می‌گردد که برگرفته از پیچیدگی‌های خلقت الهی و ذات باری تعالی است (نوروزی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۲)؛ (معمدی، ۱۳۹۲).

یابی به حقیقت الهی دانست. قرآن در باب خودشناسی بیان می‌کند که واژه خود در کلمه خودشناسی به روح الهی اشاره داشته و خودشناسی را در شناخت مقام واقعی الهی در پیشگاه خداوند می‌داند (حاجی صادقی، ۱۳۸۳). به طوری که انسان آگاهی لازم را از حقیقت وجودی خود داشته باشد و بداند که معرفت وجودی و ذات دمیده شده الهی در خویشتن، عاملی برای برتری و استعداد وی در کشف حقایق و پیشرفت جهان هستی است (همان). تحقق کشف انسان در شناخت ذات الهی و معرفت نهادینه در حقیقت وجودی وی است که زمین‌های برای تعالی و رشد محسوب



نمودار ۲: جنبه‌های خودشناسی مؤثر بر زیست انسان.

ماخذ: ویرایش شده از منابع رجبی، ۱۳۹۲؛ مهدی‌پور و بهادری، ۱۳۹۰؛ حاجی صادقی، ۱۳۸۳.

نماید. همچنین سلسله مراتب شناخت انسان از حقیقت وجودی خود نیازمند آگاهی بر بودن (شناخت تمایزات خود، از سایر موجودات که زمینه درک بهتر و ایجاد نگاهی عمیق به ماهیت وجودی و داشته‌های انسان دارد) (اسحاقی‌نسب و زمانی‌ها، ۱۳۹۹: ۱۱۳)؛ (مروتی و همکاران، ۱۳۹۸)، آگاهی بر اراده آزاد (انسان موجودی آزاد در انتخاب و اعمالش است که با به واسطه قدرت فکر و اراده خویشتن، در مسیر منتخب خود قدم بر می‌دارد)؛ (حسین‌زاد، ۱۳۹۷: ۱۹۸)؛ (سقا و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۵-۶۶)، آگاهی بر زیبایی (مفهوم زیبایی در تقرب الهی معنی شده و زیبایی مادی به واسطه حواس پنج‌گانه و توسط عقل در سطوح مختلف ایجاد می‌گردد. همچنین از آنجایی که انسان ماهیت کمال‌گرایی دارد؛ می‌توان بیان نمود که هرچه وجود و ماهیت مورد نظر، کامل‌تر و به حقایق الهی نزدیکتر

با توجه به پیچیدگی‌های خلقت انسان و حقیقت وجودی آفرینش وی در جهان هستی، می‌توان آگاهی انسان بر خود را موضوعی ریشه‌دار در سایر جنبه‌ها در نظر گرفت که زمینه‌ایجاد کیفیت زیستی را فرآهم می‌آورد (غنی‌فر و خاراوی، ۱۳۹۸: ۹۹-۱۰۰). همچنین کیفیت زیستی به عنوان عاملی مشترک میان انسان و محیط جلوه‌گر مفهوم خودشناسی می‌باشد که با آگاهی بر خود حاصل می‌گردد.

آگاهی انسان بر خود

طبق تعاریف صورت گرفته از آگاهی انسان بر خود، می‌توان آن را با مفاهیم تکامل و رشد مورد مطالعه قرار داد. در این مسیر نیاز است تا انسان جهت شناخت از خود گام برداشته و مسیر تعالی و رشد را طی

باشد؛ زیاتر تصور خواهد شد). (حسن‌زاد و بهشتی، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۳)؛ (خورسند و نقره‌کار، ۱۳۹۷: ۱۰۹-۱۱۰)، آگاهی بر حقیقت (به معنی شناخت از حقایق زیست انسانی است که موجب رشد و دستیابی به اهدافش خواهد شد. همچنین حقیقت وجودی انسان به‌همان ساحت فرامادی باز می‌گردد که بر اندیشه و تدبیر، ذهن و قدرت شناخت او از ماهیت وجودی خود تأثیر گذار است). (جعفریان و فرامرز قراملکی، ۱۳۹۳: ۹۲)؛ (غیاشی، ۱۳۹۷: ۷-۹) و آگاهی بر خیر (خیر و خوبی از اندیشه‌های نهادینه در تفکر اسلام است که انسان با آگاهی بر خیر و خوبی‌ها زمینه آسایش و تکامل را برای خود فراهم می‌کند) (موسوی، ۱۳۹۹: ۱۶۰) است.

رابطه خودشناسی و کیفیت زیست انسان در معماری

کیفیت زیستی یکی از جنبه‌های مؤثر بر ماهیت وجودی انسان است که به‌واسطه شناخت انسان از خود و در نظر داشتن جنبه‌های مختلف وجودی انسان به حقیقت می‌پیوندد. همچنین اسلام به عنوان یک دین توحیدی، الگوهای را برای حیات متعالی و کیفیت زیستی انسان در نظر گرفته است (بمانیان، ۱۳۹۳: ۷۳) که متأثر از جنبه‌های مادی (کالبد و محیط زیست) و ادراکی (عوامل مذهبی و فرهنگی، عوامل روانی و عوامل اجتماعی) می‌باشد (Altman & Rogoff, 1987; Rapaport, 2005) و (امین‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). تحقق این عوامل در اندیشه‌های اسلام با بستری از مؤلفه‌های فیزیکی و متأثر از ادراک انسان و در جنبه‌های مختلف ایجاد می‌گردد. جنبه‌هایی شامل حس ایمان (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵)، حس زمان (استوار و همکاران، ۱۳۹۴)، حس مکان (فلاح و همکاران، ۱۳۹۶)، حس امان، حس وحدت (نقی‌زاده، ۱۳۹۱)، حس آگاهی (صیاد و همکاران، ۱۳۹۸) و حس حضور (مهدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷)؛ (نقی‌زاده، ۱۳۹۱) که بر رابطه

میان معماری و انسان نقش دارند. این رابطه به واسطه مؤلفه‌های حسی ایجاد شده و بر کیفیت زیستی از نگاه اسلام نقش دارند. به‌طوری که جنبه‌های حسی مشترک میان انسان و معماری تحت تأثیر موارد مذکور بوده و به‌واسطه شناخت انسان از خود مطرح گردد و انسان با شناخت از خود به آگاهی رسیده و جنبه‌های مختلف آگاهی در انسان نمود پیدا می‌کند. درحالی که خودشناسی و آگاهی از خود باعث شکل‌گیری حواس مشترک در حقیقت وجودی انسان شده و نمود آن در معماری ایجاد می‌گردد.

حس ایمان

مفهومی است که در دو جنبه معرفت و اقرار زبانی تبیین می‌شود (خادمی و علیزاده، ۱۳۸۸) و در آن می‌توان از سه دیدگاه مختلف بهره‌مند شد. حس ایمان در دیدگاه نخست، ادله را بر ظاهر در نظر گرفته و بنا بر برخی معانی عمل می‌گردد (همان). در دیدگاه واژه‌شناسان، دین به معنی سرسپردگی و سرفروود آوردن در برابر مقررات معین است و در نگاه گروه رسول خدا، سرسپردگی و خضوع در برابر مقررات معین است (میرزایی، ۱۳۹۶: ۶۲-۶۳). از این رو اندیشمندان اسلامی، آن را باور قلبی مبتنی بر موضوع تقدس بر می‌شمرند (مجیدی بیدگلی، ۱۳۸۶: ۷۹) که در این راستا علامه طباطبایی ایمان را ماهیتی سلسله‌مراتبی و درجه‌بندی شده می‌داند و انسان بسته به مرحله زندگی خود، به مقام و درجه ایمانی متناسب دست می‌یابد (همان: ۹۶-۹۷). همچنین دستیابی به درجات حس ایمان در معماری می‌تواند با تقرب به معنویات الهی و با طی نمودن مسیری برای تقرب الهی ایجاد گردد (گنجینه و نمکی، ۱۳۹۴) که شهید مطهری دستیابی به معنویت را شناخت خدا و ایمان به او می‌داند که منجر به حس ایمان می‌گردد (مطهری، ۱۳۸۷: ۴۶۱) که با توجه به اتمسفر فضایی و حس

معنویات الهی در معماری در فضا و تزئینات مرتبط شکل می‌گیرد (پرتو و همکاران، ۱۴۰۰). مصداق این موضوع در نمونه‌های بافت تاریخی مشاهده شده و مفهوم معنویات را می‌توان در مؤلفه‌های کالبدی (فرم و هندسه، نقوش و تزئینات)؛ مؤلفه‌های حسی (رنگ، نور، صدا) و فعالیت بررسی نمود (مهدی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۷-۶۹)؛ (گنجینه و نمکی، ۱۳۹۴) که سبب ایجاد حس ایمن در افراد می‌گردد.

حس زمان

حس زمان تجربه درونی و شخصی از ادراک در واحد زمان است که به صورت وابسته شکل می‌گیرد (سوری و همکاران، ۱۳۹۲). این حس با مفاهیمی همچون ادراک زمان و تجربه زمان مرتبط است که می‌توان آن را با عواملی متأثر از تغییر رویدادها در بازه‌های زمانی مرتبط دانست (همان). همچنین پوپل مؤلفه‌های حس زمان را تحت تأثیر طول مدت زمان، غیر هم زمانی، نظم، گذشته و حال، تغییرات زمانی بر می‌شمرد (poppel, 1978). حس زمان در ماهیت زیستی مطرح می‌شود که در اعمال تکراری و به صورت ریتم در الگوهای زیستی تبیین می‌گردد (همانند تنفس منظم، چرخه تولد یا مرگ و غیره) (سوری و همکاران، ۱۳۹۲). این تأثیر در بازه‌های زمانی مختلف زیست انسان، سبب تغییر در جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی می‌گردد (صالحی، ۱۳۹۲). جنبه‌های زمان در معماری را می‌توان مرتبط با موضوعاتی چون شناخت فعالیت افراد در زمان، حفظ ارزش‌ها در گذر زمان، مدیریت پیکره‌بندی و ساخت در بازه زمان و کارکردهای مورد نیاز در دوره‌های زمانی مختلف در نظر گرفت. گذر زمان عاملی است که بر معماری تأثیر گذاشته و می‌توان آنرا جهت پاسخ‌گویی به زمانه تغییر و با شرایط زیستی انسان تطبیق داد. بررسی حس زمان در معماری با توجه به مؤلفه‌های

تطبیق فعالیت و زمان، میزان ثبات عناصر ساختاری و تثبیت هویت، حفظ و نگهداری در طول زمان و جلوگیری از صدمات ناشی از عمر ساختمان، صورت می‌گیرد (سوری و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۰).

حس مکان

حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی وی و ویژگی‌های محیطی است (فلاح و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹). این حس را می‌توان تعریف کننده فضا، شاخصه‌ای هویتی با ساختارهای عینی و ذهنی در نظر گرفت که محیط را معنا می‌بخشد (شاهرودی کلور و همکاران، ۱۳۹۹). حس مکان با نگرش و اندیشه‌های افراد در تعامل بوده و منتج به فهم و درکی عمیق در وی می‌شود (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲: ۴۵). عوامل مؤثر بر حس مکان تحت تأثیر کالبد (نشانه شناسی، تصویرسازی، تداعی ذهنی) و شناخت (عوامل ادراکی، عوامل عاطفی، عوامل رفتاری) می‌باشد (proshansky et al, 1983)؛ (Low & altman, 1992)؛ (shumaker, 1981). این دو جنبه بادر نظر گرفتن فعالیت، ویژگی‌های کالبدی و ارتباط با زمینه به احساسات ایجاد شده در مکان می‌پردازد. سپس محیطی متناسب و مطلوبی برای زیست گروه‌های مختلف انسانی را فراهم می‌آورد. مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری حس مکان شامل کالبد، اجتماع، فرهنگ، فرد، خاطرات و تجارب، رضایتمندی از مکان، فعالیت و تعامل، زمان و مشارکت افراد می‌باشد (زنگنه و همکاران، ۱۴۰۰: ۴). از میان جنبه‌های مذکور، نقش کالبد در احساسات انسان سطوح مختلفی از تعلق خاطر به آن را ایجاد کرده و سبب دل‌بستگی به مکان می‌شود (شاهرودی کلور و همکاران، ۱۳۹۹) از طرفی این سطوح را می‌توان تحت تأثیر ادراکات و رضایتمندی از حس مکان دانست که بر کیفیت زیستی انسان مؤثر اند (جدول ۱). سطوح آن شامل ادراک فیزیکی محیط و تمایزات معماری، دل‌بستگی

به مکان به واسطه فعالیت مشترک، اهداف فرهنگی مشترک میان کاربران در معماری، دلپستگی به مکان به واسطه خاطرات و تجارب مثبت، رضایتمندی از مکان به واسطه رابطه احساسی با مکان، ارتباط معنایی میان فعالیت انسان در تعامل با محیط، گذر زمان در شکل‌گیری دلپستگی انسان به معماری، ترجیحات فرهنگی متناسب با کاربری در جهت تأمین نیازها، تأثیرگذاری افراد بر مکان به لحاظ ساختاری و فعالیتی می‌شود (زنگنه و همکاران، ۱۴۰۰)

حس امان

حسی که به تبیین جایگاه انسانی در میان سایر موجودات پرداخته و روابط میان آنها را تعیین می‌کند (برپو، ۱۴۰۰). در این میان آفرینش عالم و سایر موجودات برای انسان بوده و ملاصدرا از انسان به عنوان هدف غایت هستی نام می‌برد (فارسی نژاد و دژآباد، ۱۳۸۸: ۱۰۹) که به واسطه نوع خلقت انسان و جایگاه تعقل وی بر سایر موجودات اهمیت می‌یابد. بر این اساس جایگاه حس امان تحت تأثیر عقل انسان شکل گرفته و می‌توان کالبد معماری را بر پایه ایجاد فضاهایی برای اندیشیدن و مفهوم بداعت در معماری، مورد مطالعه قرار داد. این موارد تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون خوانایی و ادراک معماری، نوآوری و خلاقیت در عناصر و اجزای مختلف معماری، اندیشه و معنی‌های مستتر در معماری شکل می‌گیرد (علیپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۸)؛ (همان، ۱۳۹۸).

حس وحدت

وحدت نوعی یکپارچگی است که می‌تواند در فیزیک بنای معماری و عناصر سازنده آن (همچون تزئینات) به کار گرفته شود و در اسلام به اصل توحید و وحدانیت خداوند متعال اشاره دارد (موسی پور، ۱۳۹۷).

حس وحدت در خودشناسی، انسان را به حقیقت الهی و یگانگی خدا نزدیک می‌کند و توجه به آن راهی برای دستیابی به این حس محسوب می‌شود. همچنین وحدت به معنی یکی شدن و همپارچگی است که در معماری به واسطه جنبه‌های بصری قابل مشاهده می‌باشد (روزبه و همکاران، ۱۳۹۴). به این ترتیب می‌توان وحدت در ظاهر معماری را به واسطه اصولی چون مرکزگرایی، تقارن، توازن، توافق، تطابق، تشابه، تجانس، تناظر، تساوی، تعادل، تناسب، محوریت، سلسله مراتب، وحدت در عین کثرت، درونگرایی و بیرونگرایی مورد بررسی قرار داد (آرین و همکاران، ۱۳۹۶) که منجر به ذهنیت می‌گردند.

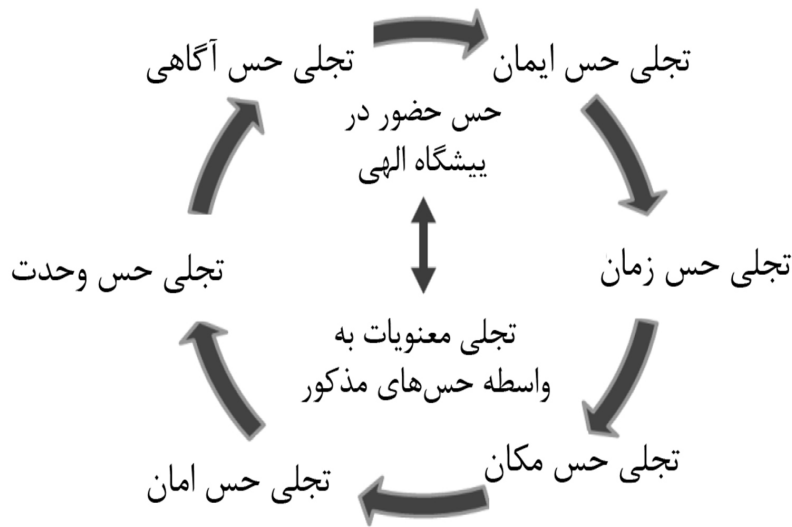
حس آگاهی

این حس به روند انطباق اطلاعات و ذهن انسان کمک کرده و درک وی از محیط را افزایش می‌دهد (حسین‌زاد و شریف‌زاد، ۱۳۹۸). بر این اساس می‌توان انسان را موجودی به دنبال کسب آگاهی و شناخت از محیط پیرامون دانست. در این موضوع دو عامل اطلاعات محیط و ویژگی‌های فرد تأثیر گذار بوده و برای افراد مختلف، سطوح متفاوتی از شناخت ایجاد می‌گردد (رضایی و حسینی، ۱۳۹۴). به طوری که برخی افراد، بیش از سایر گروه‌ها نسبت به موضوع شناخت پیدا می‌کنند. این میزان تحت تأثیر نیازها، انگیزه، قابلیت محیط، ادراک، تصویر ذهنی و معنا شکل می‌گیرد (همان) که می‌توان آنها را بر درک و میزان بداعت یک موضوع مرتبط دانست. همچنین رابطه انسان با خویشتن در چارچوب حس آگاهی، منجر به احساس هویت و موضوعات مرتبط با آن می‌گردد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۳). به طوری که حس آگاهی در معماری را می‌توان بر تداوم هویت معماری و با موضوع بداعت مرتبط دانست

حس حضور

حس حضور تحت تأثیر حواس ذکر شده در این بخش بوده و در یک رابطه میان انسان و معبود سبب شناخت و حضور در پیشگاه الهی قرار می‌گیرد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱). همچنین اصلی‌ترین دلیل حس حضور انسان در پیشگاه الهی، نخست دستیابی به عالی‌ترین درجه الهی در زیست انسان و ثانیاً یادآوری مداوم انسان در محضر خداوند و هدایت آن به مسیر روشن می‌باشد (همان).

که مسیری برای ایجاد درک بهتر آن می‌باشد. مؤلفه‌های مرتبط با موضوع حس آگاهی و هویت معماری تحت تأثیر جنبه‌هایی چون مفاهیم و معناهای مرتبط با فرهنگ و اعتقادات (فرامپتون، ۱۳۸۵: ۱۰۸)، انطباق با نیاز کاربران و متناسب بودن با فعالیت (کالن، ۱۳۹۰: ۷)، نوآوری و میزان خوانایی اثر معماری (لینچ، ۱۳۹۰: ۱۷۲) را در بر می‌گیرد که می‌توان در تعامل با معماری مورد بررسی قرار گیرد.



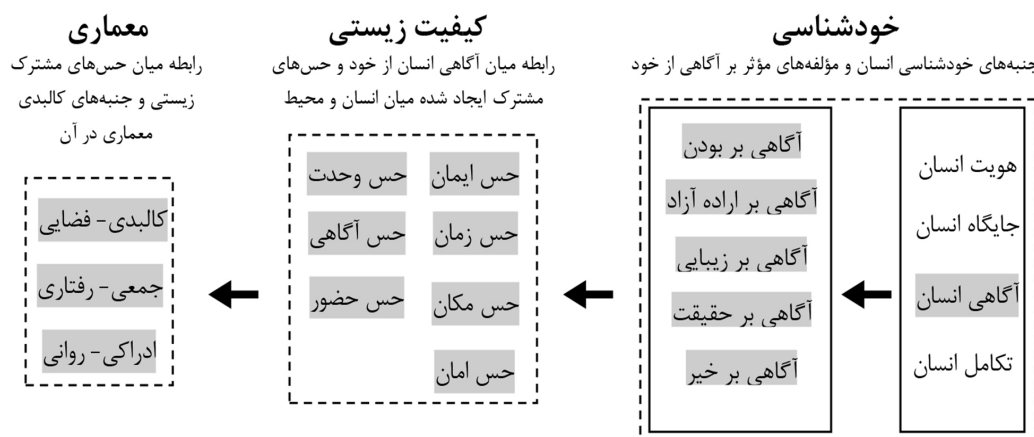
نمودار ۳: مؤلفه‌های مؤثر بر حس حضور انسان در تعامل با معماری. مأخذ: ویرایش شده از نقی‌زاده، ۱۳۹۱

دانست که در ایجاد حس حضور در پیشگاه الهی نقش داشته و سبب دوری انسان از غفلت و نامناسبات می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۳-۴۴). به همین سبب تجلی معنویات الهی در تزئینات و فضاها معماری به عنوان دستمایه‌هایی برای تجلی و ظهور آیات و کلام الهی در معماری محسوب می‌شود که می‌توان دستیابی به آن را در چرخه‌ای به هم پیوسته (نمودار ۳) در نظر گرفت.

در نتیجه می‌توان بیان نمود که انسان با توجه به حس حضور و قدم برداشتن در مسیر الهی، می‌تواند کیفیت زیستی مطلوب و روشنی را به واسطه آگاهی از خویشتن و حضور در پیشگاه الهی بدست آورد. بر این اساس توجه به این احساس را می‌توان در عرصه ظهور رساندن معنویات در معماری در نظر گرفت. به این ترتیب می‌توان دستیابی به حس ایمان، حس زمان، حس مکان، حس امان، حس وحدت و حس آگاهی را از مواردی

بر اساس توصیفات کیفی مطرح شده در مبانی نظری پژوهش می‌توان کیفیت هر یک از حس‌های معماری را بر مبنای اهمیت مصداق‌های به کاررفته در نمونه، مورد بررسی قرار داد. از سویی دیگر می‌توان حواس مشترک میان انسان و معماری را در چارچوب‌های کالبدی- فضایی، جمعی-

رفتاری و ادراکی- روانی در نظر گرفت. این موضوع متأثر از رابطه ایجاد شده میان سه جنبه اصلی خودشناسی و آگاهی انسان از خود، کیفیت زیستی و حس‌های مشترک میان انسان و محیط در معماری می‌باشد (نمودار ۴).



نمودار ۴: رابطه میان خودشناسی و کیفیت زیستی در محیط معماری

روش تحقیق

تحقیق حاضر ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است که به بررسی ابعاد مختلف ارتباط انسان با خود جهت ایجاد کیفیت زیستی می‌پردازد. به طوری که با شناخت انسان از خود زمینه کمال در وی ایجاد شده و کیفیت زیستی افزایش می‌یابد. از این رو دو جنبه کیفی و کمی مورد اهمیت بوده و مؤلفه‌های مؤثر بر شناخت انسان از خود، مورد اهمیت می‌باشد. به طوری که جنبه کیفی آن با توصیفات مرتبط از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات صورت گرفته و جنبه کمی آن با تحلیل داده‌های عددی شکل می‌گیرد. داده‌های عددی، بر اساس ارزش‌گذاری پژوهشگران تعیین شده و دلیلی بر توصیفات کیفی می‌باشد که با روش کوداس در ۶ مرحله ارزیابی می‌گردد. همچنین چارچوب نظری پژوهش بر اساس مؤلفه‌های مؤثر

بر کیفیت زیستی و رابطه آن با خودشناسی ایجاد شده‌اند. این مؤلفه‌ها شامل حس ایمنی، حس زمان، حس مکان، حس امنیت، حس وحدت، حس آگاهی و حس حضور می‌باشد. هر یک از مؤلفه‌ها بنا به میزان تأثیر در نمونه، مورد بررسی قرار گرفته و ارزش هر کدام بر اساس نظر پژوهشگران و مشاهدات صورت گرفته از محیط، تعیین می‌گردد. ارزش‌گذاری اولیه بر اساس اعداد صحیح در بازه طیف لیکرت تعیین می‌شود تا در روند تحلیل عددی داده‌ها، به کارگرفته شوند. پایایی پرسش‌های پژوهش بر اساس داده‌های عددی با آلفای کرونباخ ۰.۸۹۳۹ به دست آمده است که میزان مناسبی محسوب می‌شود. همچنین روایی آن بر اساس کیفیت سنجی مؤلفه‌ها و با روش کوداس در جدول ۳ تعیین شده است.

در مرحله نخست، اعداد به دست آمده از طیف لیکرت به صورت درصد تعیین شده و تشکیل ماتریس دو بُعدی (جدول ۱) می دهند. سپس در مرحله دوم سنجش هر درایه و

بی مقیاس سازی آن مورد نظر می باشد. نرمال سازی در روش کوداس با تکنیک رومینا و طبق فرمول صورت می گیرد (Keshavarz, ghorabae et al, 2016)

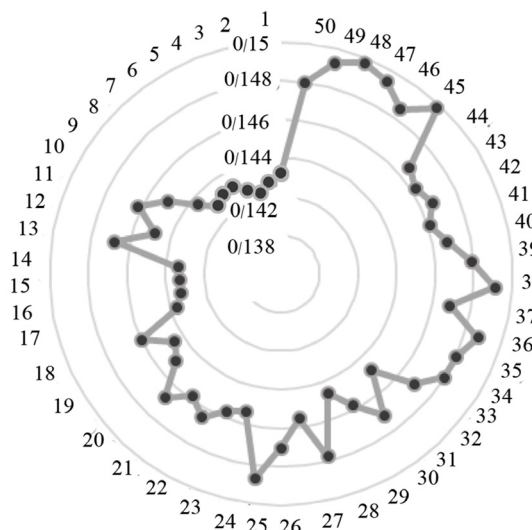
جدول ۱: ماتریس اولیه

پاسخ کاربران مسجد جامع دزفول																									X
مؤلفه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
ایمان	۹۱	۸۶	۶۹	۹۳	۹۶	۹۵	۸۷	۸۶	۹۰	۹۶	۶۶	۹۷	۸۰	۸۴	۸۸	۸۲	۹۶	۵۸	۵۰	۹۵	۸۷	۱۰۰	۵۰	۵۵	۵۰
زمان	۵۰	۶۵	۵۸	۸۳	۸۶	۷۸	۷۹	۶۹	۴۰	۴۶	۴۵	۴۲	۱۰۰	۱۰۰	۹۶	۱۰۰	۸۶	۸۸	۷۰	۷۸	۷۹	۸۷	۷۵	۷۶	۳۰
مکان	۸۶	۹۰	۶۸	۶۷	۹۱	۸۹	۷۹	۹۳	۷۰	۴۲	۸۷	۴۰	۱۰۰	۹۱	۹۷	۱۰۰	۹۱	۸۹	۸۰	۸۰	۶۹	۸۹	۸۰	۸۴	۴۳
امان	۶۰	۶۶	۶۷	۷۴	۷۶	۶۵	۶۶	۵۹	۱۰۰	۱۰۰	۶۹	۹۹	۹۰	۹۲	۹۶	۱۰۰	۷۰	۱۰۰	۹۰	۳۵	۶۶	۴۰	۹۹	۹۲	۴۵
وحدت	۸۷	۹۶	۵۹	۸۶	۹۹	۹۳	۸۱	۷۸	۹۵	۹۶	۷۲	۸۹	۹۰	۹۳	۹۴	۱۰۰	۹۹	۸۲	۸۵	۹۳	۴۵	۱۰۰	۸۵	۸۹	۶۰
آگاهی	۷۲	۷۱	۶۶	۶۹	۷۷	۶۹	۸۷	۹۵	۸۵	۸۹	۴۹	۸۳	۸۰	۸۶	۸۸	۷۹	۵۹	۹۰	۷۵	۶۹	۸۷	۷۵	۷۵	۷۷	۳۲
حضور	۷۴	۸۹	۶۰	۸۳	۵۹	۷۶	۸۸	۹۸	۸۰	۸۷	۷۵	۷۹	۹۰	۹۳	۹۷	۱۰۰	۴۵	۸۰	۷۵	۶۶	۷۵	۷۵	۷۵	۷۶	۴۴
مؤلفه	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰
ایمان	۹۶	۵۸	۹۵	۱۰۰	۹۸	۸۷	۹۹	۹۹	۹۹	۹۶	۹۵	۹۶	۹۵	۸۷	۹۵	۱۰۰	۹۵	۱۰۰	۸۹	۹۵	۹۰	۹۶	۹۳	۸۷	۹۳
زمان	۸۶	۸۸	۷۸	۹۵	۹۹	۹۷	۹۷	۸۶	۸۶	۸۶	۷۸	۸۸	۷۸	۷۸	۷۹	۸۹	۸۷	۹۹	۱۰۰	۷۸	۵۰	۸۶	۵۳	۷۹	۸۸
مکان	۹۱	۸۹	۸۰	۹۶	۱۰۰	۶۹	۹۱	۹۱	۹۵	۹۱	۸۰	۸۹	۸۰	۹۱	۹۶	۹۵	۱۰۰	۹۵	۹۵	۸۰	۸۶	۹۱	۸۶	۶۹	۹۵
امان	۷۰	۹۹	۳۵	۹۸	۹۷	۶۶	۱۰۰	۷۰	۷۰	۷۰	۱۰۰	۶۰	۳۵	۳۵	۷۹	۱۰۰	۸۶	۱۰۰	۹۰	۳۵	۹۲	۷۰	۴۵	۶۶	۷۷
وحدت	۹۹	۸۲	۹۳	۹۹	۹۳	۹۹	۱۰۰	۹۹	۹۹	۹۹	۹۳	۱۰۰	۱۰۰	۹۳	۴۵	۱۰۰	۸۹	۸۹	۸۹	۹۳	۹۸	۹۹	۹۹	۴۵	۹۹
آگاهی	۵۹	۷۹	۶۹	۸۷	۷۳	۸۷	۸۹	۵۹	۵۹	۵۹	۶۹	۸۰	۶۹	۶۹	۸۷	۶۳	۷۶	۶۶	۷۷	۷۱	۶۶	۵۹	۷۳	۸۷	۶۰
حضور	۴۵	۸۰	۶۶	۹۶	۶۳	۶۶	۱۰۰	۶۰	۶۰	۴۵	۶۶	۶۶	۶۶	۶۶	۶۹	۷۹	۱۰۰	۸۷	۹۶	۶۶	۷۳	۴۵	۷۹	۶۹	۸۰

از این رو ماتریس نرمال موزون تشکیل شده و بر اساس داده های اولیه، تمام اعداد به صورت یکپارچه تعیین می شوند. سپس بر اساس نظر پاسخ دهندگان (۸ نفر متخصص و ۴۲ نفر از کاربران عمومی بنا) به وزن دهی آنها پرداخته می شود. در این روش هدف تعیین وزن هر یک از آنها برای به کارگیری در مراحل بعدی روش کوداس است. بر این اساس لازم است تا با تکنیک آنتروپی - شانون به جهت تکمیل بخشی از محاسبات در روش کوداس بهره مند شد. به طوری در آن وزن پاسخ گویی افراد در گروه متخصصین و

گروه کاربران تعیین می گردد. همچنین وزن دهی انجام شده در قالب یک ظرف محاسباتی انجام شده و داده ها به صورت جامع در این رابطه مورد استفاده قرار می گیرند و تفکیکی بر اساس ماهیت تخصصی و غیر تخصصی در آن لحاظ نمی گردد. بر این اساس مطابق با نمودار ۵، وزن پاسخ متخصصین به روش آنتروپی شانون محاسبه می گردد. آنتروپی شانون نشان دهنده مقدار عدم اطمینان حاصل از محتوای یک پیام است که با استفاده از فرمول^۱، وزن نمونه را محاسبه می کند (آذر، ۱۳۸۰).

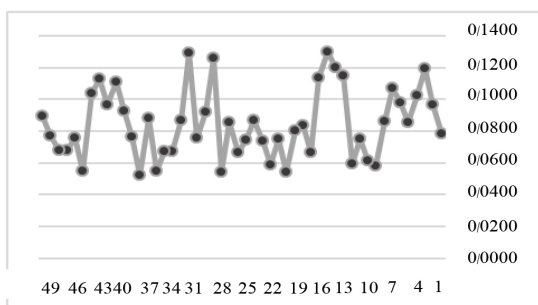
1. $\bar{X}_{ij} = \frac{X_{ij}}{\sum_{v=1}^m X_{ij}} \bar{X}_{ij} = \frac{\text{Min} X_{ij}}{X_{ij}}$ (درایه های ماتریس)
 2. $E = S\{P_1, P_2, \dots, P_n\} = -k \sum_{j=1}^m \{P_j \ln P_j\}$



نمودار ۵. ارزشگذاری پاسخ متخصصین در محاسبات آنتروپی شانون.

مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از این رو تعداد مورد نظر از افراد در گروه متخصصین به تعداد ۸ نفر و تعداد کاربران استفاده کننده از فضا بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده و برای ۴۶ نفر به طور میانگین، معادل ۴۲ نفر می‌باشد. در این صورت کل جامعه مورد بررسی و افرادی که مورد پرسش قرار می‌گیرند؛ معادل ۵۰ نفر از متخصصین معماری و عموم کاربران بنا می‌باشد.

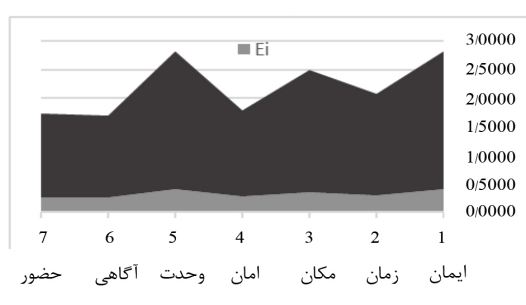
بر اساس مشاهدات در روزهای مختلف به صورت تصادفی، میانگین جامعه کاربران مسجد جامع دزفول معادل ۴۲ الی ۵۰ نفر بوده که شامل کسبه بازار و مردم منطقه می‌باشند. همچنین طی بررسی‌های صورت گرفته از جامعه متخصصین معماری دانشگاه‌های دزفول، تجربه فضا برای ۸ نفر از اساتید این دانشگاه‌ها (دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول و دانشگاه آزاد اسلامی دزفول) فراهم آمده است که نظرات آنها



نمودار ۶. میزان عددی نقطه‌ایده آل منفی

در هر مؤلفه

مقدار عددی ماتریس به عنوان نقطه‌ایده آل منفی کمک کرده و بر اساس مجموع این اعداد به دست می‌آید. بر این اساس می‌توان نسبت پاسخ هر فرد در ارتباط با نقطه‌ایده آل منفی را بر اساس فرمول ۱

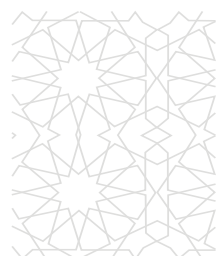


نمودار ۷. فاصله تاکسی (Ti) و اقلیدسی (Ej) در مؤلفه‌های

مؤثر بر پژوهش

در مرحله چهارم، نقطه ایده آل منفی (NSj) از ماتریس نرمال موزون تعیین می‌گردد که بر اساس فرمول محاسبه می‌گردد (حسن‌زاد و همکاران، ۱۳۹۹). محاسبه اعداد در این مرحله به تعیین کوچکترین

۱. درایه (عدد) Vij مؤلفه‌ایده آل منفی، $NSj = \text{Min}Vij$



دو محاسبه اقلیدوسی و تاکسی تعیین می‌کند. مرحله پایانی این روش، برای انتخاب گزینه بهینه و تعیین ارزش هر مؤلفه کاربرد دارد. به طوری که در آن به طور قطع کیفیت به کارگیری هر مؤلفه در نمونه مورد بررسی و نسبت به پاسخ افراد، تعیین می‌شود. در نهایت ارزش عددی آن بیان شده و بر اساس رتبه، ارائه می‌گردد. در این راستا میزان عدد و رتبه هر یک از مؤلفه‌ها دارای یک رابطه مستقیم بوده و رتبه‌های برتر مربوط به اعداد بالاتر می‌باشند (جدول ۲).

محاسبه و مورد بررسی قرار داد. در مرحله پنجم، محاسبه فاصله اقلیدوسی (Ej) و فاصله تاکسی (منهتن) (Ti) صورت می‌گیرد. این محاسبات با استفاده از فرمول‌های مربوطه و جهت تعیین دوری مؤلفه‌ها نسبت به گزینه ایده آل منفی در نظر گرفته می‌شود. فاصله اقلیدوسی و فاصله منهتن به دلیل بررسی یک نمونه خاص در مؤلفه‌های مختلف، مقدارهایی برابر داشته و تحت تأثیر یک ماتریس ۷×۷ محاسبه می‌گردد. بر همین اساس نمودار ۷ میزان هر یک از مؤلفه‌ها را در

جدول ۲. رتبه بندی مؤلفه‌های مرتبط با پژوهش

مؤلفه	رتبه	Hi	مؤلفه	رتبه	Hi
حس ایمان	۱	۱۰۰۱۵۶	حس حضور	۴	۰۰۵۲۶۶
حس زمان	۲	۰۰۶۸۱۹	حس مکان	۵	۰۰۱۵۳۲
حس وحدت	۳	۰۰۵۴۵۶	حس آگاهی	۶	۰۰۰۷۶۷

این رو تنوع جامعه آماری افراد را می‌توان به تفکیک تخصص (کاربران عمومی و افراد صاحب نظر) و به تفکیک جنسیت (خانم‌ها و آقایان) دسته بندی کرد که در جدول ۳ قابل بررسی است. در ماتریس اولیه (جدول ۱) نظر افراد ۱ الی ۸ مربوط به افراد متخصص و صاحب نظران این حوزه می‌باشد. همچنین از شماره ۹ الی ۵۰ مربوط به افراد غیر متخصص و عموم کاربران است. از طرفی دیگر شماره ۱ الی ۳۵ مربوط به آقایان و شماره ۳۶ الی ۵۰ مربوط به خانم‌ها می‌باشد. همچنین توجه به این تفکیک‌های آماری می‌تواند نتایج متفاوتی در گروه خود ایجاد نماید که توجه به

در رابطه با رتبه بندی مؤلفه‌ها می‌توان کیفیت هر یک از آنها را بر اساس رتبه‌های بیان شده تبیین نمود. این رتبه بندی شامل رتبه ۱ برای مؤلفه حس ایمان، رتبه ۲ برای مؤلفه حس زمان، رتبه ۳ برای مؤلفه حس وحدت، رتبه ۴ برای مؤلفه حس حضور، رتبه ۵ برای مؤلفه حس مکان، رتبه ۶ برای مؤلفه حس آگاهی، رتبه ۷ برای مؤلفه حس ایمان می‌باشد. در رابطه دیدگاه‌های موجود می‌توان حواس مشترک مختلف ایجاد شده در گروه‌های مختلف انسانی می‌توان به رتبه بندی مجزایی برای هر یک از آنها با ارزش گذاری‌های متفاوت اشاره نمود. از

$$1. Ti = \sum_{j=1}^m |V_{ij} - NS_j| \quad E_j = \sqrt{\sum_{j=1}^m (V_{ij} - NS_j)^2} - E_j$$

فاصله منهتن Ti - فاصله اقلیدوسی، E_j

آنها شناخت متفاوتی از ادراک فضای مسجد را برای کاربران مختلف ایجاد می‌نماید. کیفیت حواس مشترک ایجاد شده از نظر متخصصین شامل ایمان (رتبه ۱)، وحدت (رتبه ۲)، آگاهی (رتبه ۳)، مکان (رتبه ۴)، حضور (رتبه ۵)، آگاهی (رتبه ۶)، زمان (رتبه ۷) می‌شود. همچنین در نگاه خانم‌ها رتبه‌های حواس مشترک به ترتیب شامل حس ایمان (رتبه ۱)، زمان (رتبه ۲)، وحدت (رتبه ۳)، مکان (رتبه ۴)، حضور (رتبه ۵)، آگاهی (رتبه ۶)، حضور (رتبه ۷) می‌باشد.

آنها شناخت متفاوتی از ادراک فضای مسجد را برای کاربران مختلف ایجاد می‌نماید. کیفیت حواس مشترک ایجاد شده از نظر متخصصین شامل ایمان (رتبه ۱)، وحدت (رتبه ۲)، آگاهی (رتبه ۳)، مکان (رتبه ۴)، حضور (رتبه ۵)، حضور (رتبه ۶)، زمان (رتبه ۷) را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین از نگاه افراد غیر متخصص رتبه بندی حواس مشترک شامل حس ایمان (رتبه ۱)، حس زمان (رتبه ۲)، وحدت (رتبه ۳)، حضور (رتبه ۴)، مکان (رتبه ۵)، آگاهی (رتبه ۶)،

جدول ۳. مقایسه میزان همپوشانی میان پاسخ‌های گروه‌های مختلف انسانی

رتبه	تفکیک آماری افراد بر اساس تخصص		تفکیک آماری افراد بر اساس جنسیت	
	افراد متخصص و صاحب‌نظر	کاربران عمومی و غیر متخصص	آقایان	خانم‌ها
۱	ایمان	ایمان	وحدت	ایمان
۲	وحدت	زمان	ایمان	زمان
۳	آگاهی	وحدت	زمان	وحدت
۴	مکان	حضور	مکان	مکان
۵	زمان	مکان	حضور	حضور
۶	حضور	آگاهی	آگاهی	آگاهی
۷	امان	امان	امان	امان
	در ۲ آیتم معادل ۲۸,۵٪ با یکدیگر همپوشانی دارند.		در ۴ آیتم معادل ۵۱,۷٪ با یکدیگر همپوشانی دارند.	
	همپوشانی تمام گروه‌ها در ۱ آیتم معادل ۱۴,۲٪، همپوشانی در حداقل ۳ گروه آماری و بیشتر از آن، در ۴ آیتم و معادل ۵۱,۷٪؛ همپوشانی در حداقل ۲ گروه آماری و بیشتر از آن در تمام آیت‌ها و معادل ۱۰۰ درصد وجود دارد.			

افزایش اعتبار درونی پاسخ‌های کاربران در گروه‌های مختلف انسانی است که حداقل در تمام آنها می‌توان ۲ جنبه مشترک میان حواس مشترک انسانی را مشاهده نمود.

بر اساس بررسی میزان همپوشانی مؤلفه‌های حواس مشترک در گروه‌های مختلف آماری، می‌توان بیان نمود که حداقل در ۲ گروه، همپوشانی و پاسخ‌های مشترک وجود دارد. نتیجه این موضوع بیانگر

یافته‌های تحقیق

در این بخش هر یک از مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی در رابطه با خودشناسی و آگاهی بر خود شکل گرفته و در جنبه‌های کمی و کیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به طوری که توصیفات و جمع بندی از نحوه به کارگیری این مفاهیم در نمونه مورد بررسی مربوط به بخش کیفی و رتبه‌های عددی آن مربوط به بخش کمی می‌باشد. در جنبه کمی رتبه ۱ (حس ایمان) و ۲ (حس زمان) با بیشترین تأثیر، رتبه ۳ (حس وحدت)، رتبه ۴ (حس حضور)، رتبه ۵ (حس مکان) با تأثیر متوسط و رتبه‌های ۶ (حس آگاهی) و ۷ (حس امان) با کمترین تأثیر می‌باشد. بنابراین عوامل مورد بررسی در سطوح بیشترین تأثیر و تأثیر متوسط شامل حس ایمان، حس زمان، حس وحدت، حس حضور، حس مکان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. حس ایمان در مسجد جامع با رتبه ۱، یکی از مؤثرترین مؤلفه‌ها بر کیفیت زیستی انسان می‌باشد. به طوری که می‌توان کیفیت این مؤلفه‌ها در سه جنبه فرم و هندسه در کالبد معماری (فضا و تزئینات)، نور و رنگ در معماری، صوت و فعالیت در محیط معماری مورد بررسی قرار داد. این حس بیشتر در جنبه‌های ادراکی - روانی نقش داشته و به واسطه تأکید بر یگانگی خداوند متعال به واسطه عینیت بخشیدن این مفهوم در معماری اهمیت عبودیت و بندگی خداوند در تأکید بر فضای شبستان به جهت شکرگزاری و بندگی خداوند، تزئیناتی برگرفته از اسامی و نام‌های مقدس در کالبد معماری شکل گرفته‌اند که نمونه آن در ایوان ورودی مسجد جامع وجود دارد (تصویر ۱). بر اساس پاسخ صاحب نظران و مصداق‌های به کاررفته در معماری، می‌توان بیان کرد که کیفیت محیط معماری بستری برای شکل‌گیری حس ایمان در افراد خواهد شد. حس زمان با رتبه ۲، یکی از مؤلفه‌ها با تأثیر زیاد بر کیفیت زیستی انسان می‌باشد. همچنین این حس به عنوان یکی دیگر از تجربه‌های درونی انسان است که با بررسی اثر زمان بر معماری سنجیده می‌شود. این

جنبه تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون میزان ثبات عناصر معماری، نگهداری و مرمت معماری و میزان تطبیق فعالیت با معماری در گذر زمان می‌باشد. همچنین بر اساس نمودار ۷، تأثیر این جنبه حسی بیشتر بر بُعد کالبدی معماری بوده است که در مصداق‌های مذکور قابل بررسی است. به همین سبب می‌توان وجود حس زمان را در دستیابی به این موارد بررسی نمود که زمینه‌ای برای شناخت این مؤلفه در انسان محسوب می‌شود. از این رو جنبه‌های کیفی این حس در انسان به واسطه تغییرات ایجاد شده در گذر زمان برای بهبود کاربری، نگهداری بنا در دوره‌های مختلف و بازسازی آن جهت ادامه استفاده و تداوم فعالیت‌های مرتبط با آن ایجاد شده‌اند که این مؤلفه را در رتبه ۲ کمی قرار داده است. همانطور که در تصاویر ۱ الی ۶ مشاهده می‌شود، بنای مسجد جامع به صورت بازسازی و مرمت شده در تداوم فعالیت مذهبی خود قرار داشته و محیطی مطلوب را برای نمازگزاران و کاربران خود ایجاد کرده است. همچنین حضور و کارایی در زمان حاضر را می‌توان به عنوان تطبیق فعالیت افراد با بنای مسجد جامع در نظر گرفت که نمود پویایی و پاسخ‌گویی معماری است. حس وحدت با رتبه ۳، یکی از مؤلفه‌های با تأثیر متوسط محسوب شده است که در کیفیت زیستی انسان نقش دارد. به طوری که می‌توان کیفیت این مؤلفه‌ها را در عواملی چون تقارن، توازن، تساوی، کثرت در وحدت، تناسبات، درونگرایی یا برونگرایی، محوریت و سلسله مراتب مورد بررسی قرار داد. همچنین نمود این جنبه حسی بیشتر در بُعد فیزیکی - کالبدی نمود پیدا می‌کند. بنابراین کیفیت آن را می‌توان با بهره مندی از تکنیک‌های عینی همچون مقارن سازی، توازن بصری در نماهای اصلی بنا و تزئینات معماری، توجه به تناسبات خاص و اهمیت وحدانیت فضاها در یک معماری درونگرا در نظر گرفت. این موارد نمود کالبدی و عینی در محیط معماری را ایجاد کرده‌اند که بر سایر جنبه‌های محیط نیز تأثیر گذار می‌باشد.

به نحوی که می‌توان مفاهیم مرتبط با این موضوع را در ایوان ورودی شبستان مشاهده و بررسی نمود (تصویر ۴). حس حضور با رتبه ۴ به عنوان یکی از مؤلفه‌های با تأثیر متوسط بر کیفیت زیستی می‌باشد. بر این اساس می‌توان مؤلفه‌های خرد آن را بر معماری مورد مطالعه قرار داد که تحت تأثیر سایر جنبه‌های حسی بوده و حضور انسان در پیشگاه الهی به واسطه معماری را ایجاد می‌کنند. همچنین تأثیر این مؤلفه را می‌توان در بُعد ادراکی - روانی معماری در نظر گرفت که عوامل کیفی سایر جنبه‌های حسی افراد در آن نقش دارند. این حس در یک رابطه میان سایر جنبه‌های حسی ایجاد شده و عاملی برای تجلی معنویات و حضور انسان در پیشگاه الهی محسوب می‌گردد. حس حضور بر اساس مصداق‌های مؤثر بر سایر جنبه‌ها به صورت تجمیعی در نظر گرفته می‌شود. این احساسات در کنار یکدیگر مفهوم حس حضور را ایجاد کرده و تجربه افراد در محیط متأثر از این حس را شکل می‌دهد. همچنین الگوهای تزئینی و تأکید بر وحدانیت الهی که در تصویر ۲ مشهود است؛ اشاره داشت. در این تصویر می‌توان قوس‌های متمرکز بر یک نقطه و بهره‌مندی از اسامی الهی را به وضوح مشاهده نمود که خود تأکیدی بر حضور انسان در پیشگاه خداوند متعال است. از طرفی سقف‌سازی و قوس‌های داخلی نمودی از بندگی و عبودیت انسان در پیشگاه الهی بوده که با

ایجاد محیطی مقدس و عبادی در تأکید بر وحدانیت الهی اشاره دارند (تصویر ۵). حس مکان با رتبه ۵، یکی از مؤلفه‌های با تأثیر متوسط، بر کیفیت زیستی انسان می‌باشد. این جنبه حسی بیشتر در بُعد روانی - ادراکی نقش داشته و به کمک مؤلفه‌هایی چون ادراک فیزیکی محیط و تمایزات معماری، دل بستگی به مکان به واسطه فعالیت مشترک، اهداف فرهنگی مشترک میان کاربران، دل بستگی به واسطه تجارب مثبت در معماری، رضایتمندی از مکان، ارتباط معنایی میان فعالیت انسان و تعامل با محیط، گذر زمان در شکل‌گیری دل بستگی، ترجیحات فرهنگی متناسب با کاربری جهت رفع نیاز، تأثیرگذاری افراد بر مکان (ساختاری و فعالیتی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این رو می‌توان اهمیت خوانایی و تأکید بر فضاهای شاخص عبادی، تکنیک‌های تزئینی در معماری به واسطه رنگ و چیدمان آجر (تصاویر ۳ و ۶)، میزان پیچیدگی و نوآوری در تزئینات را تأثیرگذار دانست. همچنین توجه به انعطاف‌پذیری فضاها جهت کارکرد و تطبیق با فعالیت کاربران، تأکید بر اهداف مشترک میان افراد و معماری، اهمیت ابعاد و اندازه در نماهای مختلف معماری و ایجاد حس زیبایی جهت دل بستگی بیشتر و رضایتمندی از محیط را به عنوان عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در معماری مسجد مد نظر قرار داد.

جدول ۵: فضاهای مختلف معماری در مسجد جامع دزفول ماخذ: عکس برداری توسط محمد صانعی پور.



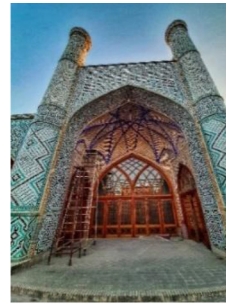
تصویر ۳. سقف‌سازی و تزئینات به کاررفته در شبستان مسجد جامع



تصویر ۲. صحن مسجد جامع و تزئینات به کاررفته در آن



تصویر ۱. تزئینات ایوان ورودی شبستان مسجد جامع



تصویر ۴. ایوان ورودی شبستان مسجد جامع



تصویر ۵. فضای داخلی شبستان مسجد جامع



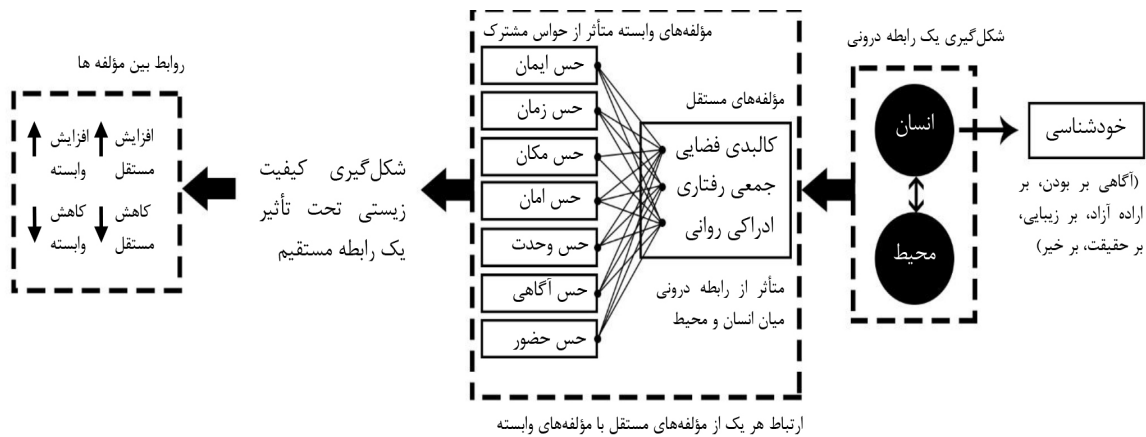
تصویر ۶. سقف سازی شبستان مسجد جامع

نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش و در جهت پاسخ‌گویی به سوال پژوهش، می‌توان بیان نمود که خودشناسی انسان ناشی از شناخت درونی خود بوده و در رابطه با کیفیت زیستی و حواس مؤثر بر آن (حس ایمان، زمان، وحدت، حضور، مکان، آگاهی و امان) می‌باشد. همچنین تأثیر هر یک از حواس مذکور در شکل‌گیری مؤلفه‌های معماری (کالبدی و فضایی، جمعی و رفتاری، ادراکی و روانی) نقش داشته و شکل دهنده یک رابطه درونی میان سه جنبه اصلی خودشناسی انسان، کیفیت زیستی و معماری است. در معنای دیگر، خودشناسی انسان تحت تأثیر آگاهی بر بودن، آگاهی بر اراده آزاد، آگاهی بر زیبایی، آگاهی بر حقیقت و آگاهی بر خیر شکل گرفته است و منجر به شناخت حقایق وجودی وی می‌گردد. در این راستا میان انسان و محیط یک رابطه درونی متأثر از جنبه‌های کالبدی فضایی، جمعی رفتاری و ادراکی روانی شکل می‌گیرد که سطوح مختلفی از کیفیت زیستی را شکل می‌دهد. به طوری که ارتباط درونی ایجاد شده میان انسان و محیط، تحت تأثیر حواس مشترک مؤثر بر کیفیت زیستی می‌باشد. همچنین در نمونه مورد مطالعه، تأثیرگذاری هر یک از حواس، دارای سطوح

مختلفی از کیفیت زیستی بوده که با بررسی کمی به ارزیابی و سطوح به کارگیری آنها در کالبد معماری پرداخته شده است. ارزیابی کمی و داده‌های عددی، نشان می‌دهند که حس ایمان و حس زمان با بیشترین تأثیر، حس وحدت، حس حضور، حس مکان با تأثیر متوسط و حس امان و آگاهی با کمترین تأثیر بر کیفیت زیستی نقش داشته‌اند. جنبه‌های حس درونی مؤثر بر کیفیت زیستی را می‌توان شامل حس ایمان، حس زمان، حس وحدت، حس حضور، حس مکان برشمرد که بر معماری مسجد جامع نقش دارد. از طرفی دیگر به مراتب جنبه‌های حس ایمان و حس آگاهی نقش کمتری نسبت به سایر موارد را در شکل‌گیری معماری به خود اختصاص می‌دهند. به نحوی که احساسات افراد تحت تأثیر عاملی درونی و در سطوحی مختلف قرار گرفته که در ایجاد کیفیت زیستی نقش قابل تاملی را ایجاد می‌کند.

دست‌آورد اصلی پژوهش با توجه به رویکردهای مختلف در طراحی معماری زمینه‌را برای ایجاد حواس مختلف درونی در انسان ایجاد کرده و در مکان‌های خاص به ویژه کاربری‌های مقدس (همانند مسجد)، بسیار حساس و مورد اهمیت می‌باشد.



نمودار ۸. مدل مفهومی رابطه بین مؤلفه‌های مؤثر بر پژوهش

آل بویه، طاهره (۱۳۸۸) ارتباط انسان با خود، نامه جامعه، (۵۹)، ۴۵-۵۱.

آرین، سمیه؛ فرج پور، مریم و قمری، علی (۱۳۹۶) بررسی تأثیر خانه با الگوهای معماری ایرانی اسلامی بر ایجاد آرامش، کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در عمران، معماری و شهرسازی، تبریز.

اسحاقی نسب، اسماء و حسین زمانیها (۱۳۹۹) نسبت بین خودآگاهی و آگاهی به غیر در فلسفه ارسطو و ابن سینا، ذهن، (۸۲)، صص ۱۰۹-۱۳۴.

استوار، نیما و مصطفی بهزادفر و بهادر زمانی و محمود قلعه نویسی (۱۳۹۴) آمیخته پژوهی مؤلفه‌های مؤثر بر ادراک حس زمان در مکان شهری (مطالعه موردی: میدان نقش جهان اصفهان)، مطالعات شهری، (۱۶)، صص ۳۹-۵۴.

بهمنی، افشین و صفر قائد رحمتی (۱۳۹۵) ارزیابی مسکن مهر از نظر شاخص‌های کیفی مسکن مناسب، نمونه موردی: مسکن مهر ۲۲ بهمن شهر زنجان، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، (۲۶)، صص ۴۷-۶۵.

پرتو، شیده و ویدا نوروز برازجانی و شروین میرشاهزاده (۱۴۰۰) خوانش عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اتمسفر فضایی مساجد معاصر با تکیه بر نظریه داده بنیاد، باغ نظر، ۱۸ (۹۵)، صص ۵-۱۸.

بر اساس موارد مطرح شده در نمودار ۸، مؤلفه‌های مستقل تحقیق در رابطه درونی میان انسان و محیط شکل گرفته‌اند. همچنین متغیرهای وابسته وجود دارند که حواس مشترک (حس مکان، زمان، ایمان و غیره) را شکل داده و به کیفیت زیستی منجر می‌گردند. از این رو، بررسی‌ها و تحلیل‌های کیفی و کمی تحقیق بیانگر افزایش کیفیت زیستی در رابطه با هر یک از مؤلفه‌های وابسته بوده و سبب افزایش کیفیت مؤلفه‌های مستقل نیز می‌گردد. به نحوی که رابطه‌ای مستقیم میان آنها شکل گرفته و محیطی مناسب را مهیا می‌سازد. در نهایت الگوهای طراحی معماری برای ایجاد حس‌های مختلف باید به صورت هدفمند و با برنامه ریزی، در نظر گرفته شوند. این موضوع زمینه‌ای برای دستیابی به محیطی مطلوب و کیفیت زیستی مناسب در زندگی افراد محسوب می‌گردد که ناشی از رابطه درونی میان سه جنبه آگاهی بر خود، حواس مشترک مؤثر بر کیفیت زیستی و معماری است.

منابع

آذر، عادل (۱۳۸۰) بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوا، علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س) ۱۱ (۳۷) و ۳۸، صص ۱-۱۸.

زنگنه، مینا و شیوا یعقوبی و علی عسگری (۱۴۰۰) ارزیابی حس مکان در معماری بازار تهران (محدوده مورد مطالعه: خیابان پانزده خرداد)، مجله گفتمان طراحی شهری، ۲ (۴)، صص ۱-۱۹.

سقا، فرشته و فتیحه فتاحی‌زاده و ابراهیم شفیعی‌سروستانی (۱۳۹۳) نقش اراده انسان در تحقق آینده موعود از منظر قرآن، انسان پژوهی دینی، ۱۱ (۳۲)، صص ۴۹-۶۸.

سوری، الهام و سینا رزاقی اصل و محسن فیضی (۱۳۹۲) مفهوم حس زمان و کاربرد آن در طراحی شهری، هویت شهر، ۷ (۱۳)، صص ۷۳-۸۲.

شاهرودی کلور، مرضیه و ملیحه تقی پور و فائزه گریست (۱۳۹۹) سنجش تطبیقی مؤلفه‌های حس مکان در عناصر کالبدی مساجد سنتی و معاصر شیراز (مورد پژوهی مسجد حاج علی، مسجد مشیر الملک، مسجد الرجا و مسجد دانشگاه)، اندیشه معماری، ۴ (۸)، صص ۴۰-۵۴.

شفیعی، میثم و سید غلامرضا اسلامی (۱۳۹۶) تبیین تأثیر شناخت شناسی در عرصه هنر و معماری، هویت شهر، ۱۱ (۳۲)، صص ۶۷-۷۸.

صارمی، حمیدرضا و تقی نژاد و سیما پیری (۱۳۹۵) سلامت روان در پرتو التزام عملی به آموزه‌های دینی، معرفت، ۷ (۲۶)، صص ۲۱-۲۹.

صارمی، حمیدرضا و بهاره بهرا (۱۴۰۰) مؤلفه‌های کیفیت مکان در شهر ایرانی اسلامی، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۱ (۴۳)، صص ۵-۲۳.

صیاد، امیرحسین و افرا غریب‌پور و مهسا دلشاد سیاهکلی (۱۳۹۸) فضامنندی و بدن آگاهی: بازخوانش مفهوم فضا در تجربه معماری نمونه موردی: موزه هنرهای معاصر تهران، نشریه علمی باغ نظر، ۱۶ (۷۵)، صص ۷۱-۸۲.

صالحی، گلچین (۱۳۹۲) کارکرد مفهوم حس روح

جعفریان، مرتضی و احد فرامرز قراملکی (۱۳۹۳) نظریه عدم امکان شناخت حقیقت اشیاء از دیدگاه ملاصدرا، حکمت صدرایی، ۲ (۲)، صص ۹۱-۱۰۵.

حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۳) انسان کامل در اندیشه مطهری، قبسات.

حسن‌زاد، محمد رضا و محمد حسن ملکی و حسین جهانگیرنیا و رضا غلامی جمکرانی (۱۳۹۹) شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر تاب آوری بازار سرمایه ایران، مدیریت صنعتی، ۱۲ (۱)، صص ۲۰۵-۱۷۲.

حسن‌زاد، روح اله و سعید بهشتی (۱۳۹۳) رویکرد مبانی، اهداف، روشها و محتوای تربیت زیبایی شناختی از دیدگاه علامه جعفری (ره)، ۲۲ (۲۲)، صص ۲۷-۶۳.

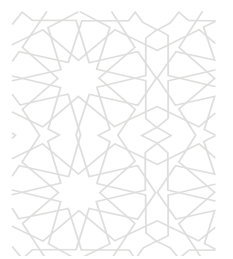
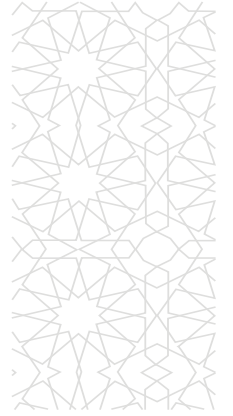
حسین‌زاد، محمد (۱۳۹۷) اراده آزاد: تقریر امروزی نظریه اختیار، ۵ (۳)، صص ۱۸۵-۲۰۲.

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون تدوین جامع سبک زندگی اسلامی- ایرانی (۱۳۹۸) پیش نویس کلیات سند برنامه جامع سبک زندگی اسلامی- ایرانی، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵) لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.

روزبه، معصومه و علیرضا خضریان و ساره بیگلری (۱۳۹۴) حس وحدت در معماری معاصر ایران (با تأکید بر خانه دریا بندری و آذربا ایرج کلاتری)، همایش ملی فرهنگ، گردشگری و هویت شهری، موسسه مهراندیشان ارفع.

رضایی، علیرضا و سیدباقر حسینی (۱۳۹۴) شناخت انسان از رفتار محیطی با تأکید بر حفظ فضای شخصی، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، تهران.



زمان و مکان در معماری و شهرسازی، اولین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی اسلامی و ترسیم سیمای شهری پایدار با گذر از معماری ایرانی-اسلامی و هویت گمشده آن، زاهدان.

علیپور، لیلا و محسن فیضی و اصغر محمد مرادی و غلامرضا اکرمی (۱۳۹۵) برداشت صحیح از نمونه‌ها در ایده‌پردازی معماری، هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۱ (۳)، صص ۸۱-۹۰.

علیپور، لیلا و محسن فیضی و اصغر محمد مرادی و غلامرضا اکرمی (۱۳۹۸) آموزش برداشت آگاهانه از نمونه‌های معماری: رویکردها و راهکارها، نامه معماری و شهرسازی، (۲۲)، صص ۹۱-۱۰۶.

غیاثی، نقی (۱۳۹۷) بازجست ساحت‌های وجودی انسان از منظر نهج البلاغه، فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، ۶ (۲۲)، صص ۱-۱۸.

غنی فر، محمد حسن و خدابخش خارایی (۱۳۹۸) اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی (خود آگاهی و برقراری ارتباط مؤثر) بر ابراز وجود و کم رویی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، (۶۲)، صص ۹۴-۱۰۱.

فرامپتون، کنت (۱۳۸۵) منطقه‌گرایی انتقادی، ترجمه ایمان رئیسی، تهران، معماری و فرهنگ.

فلاح، محمدصادق و لیلا کمالی و صمد شهیدی (۱۳۹۶) نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری، باغ نظر، ۱۴ (۴۶)، صص ۱۵-۲۲.

فارسی نژاد، علی رضا و حامد دژآباد (۱۳۸۸) فلسفه آفرینش جهان و انسان از دیدگاه قرآن، اندیشه دینی دانشگاه شیراز، (۳۰)، صص ۱۰۳-۱۲۴.

کالن، گوردن (۱۳۹۰) گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طیبیان، تهران، دانشگاه تهران.

گنجینه، پروین و روح‌اله نمکی (۱۳۹۴) تأثیر ایمان انسان در معماری مسجد و مسیر طرح مسجد در آمریکای شمالی، چهارمین همایش ملی معماری، شهرسازی و پژوهش‌های نیاز محور با محوریت تحولات نوین و پژوهش‌های کاربردی، مشهد.

لطیفی، امین و حسن سجاذزاده (۱۳۹۳) ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کیفیت محیطی بر الگوهای رفتاری در پارک‌های شهری (مطالعه موردی: پارک مردم همدان) مطالعات شهری، (۱۱)، صص ۵-۲۰.

لینچ، کوین (۱۳۹۰) تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، دانشگاه تهران.

مروتی، سهراب و سید محمدرضا حسینی نیا و فاطمه سیفعلی نی (۱۳۹۰) خودآگاهی و کارکردهای تربیتی آن در بهبود روابط اجتماعی انسان در قرآن و حدیث، نشریه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۴ (۲)، صص ۱-۱۸.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۷) مجموعه آثار استاد شهید مطهری (جلد ۲۳)، تهران، صدرا.

موسوی، محمد حسین (۱۳۹۹) اثربخشی آموزش خودآگاهی از منظر آموزه‌های اسلام بر کتبخش فشار روانی دانشجویان، نشریه مطالعات روانشناسی تربیتی، (۳۷)، صص ۱۵۹-۱۷۴.

میرزایی، محمد (۱۳۹۶) پژوهشی در بایسته‌های راهبردی زندگی ایمانی، نشریه آموزه‌های حدیثی، ۱ (۲)، صص ۵۷-۷۸.

موسی پور، محمد یاسر (۱۳۹۷) بازخوانی مفهوم تزئین در مسکن روستایی ایران (مطالعه موردی: تزئینات مسکن در روستای اوان، استان قزوین)، نشریه مسکن و محیط روستا، (۱۶۲)، صص ۲-۲۰.

یعقوبی سنقرچی، معصومه و سید غلامرضا اسلامی (۱۳۹۶) خودشناسی؛ رهاورد تجربه سکنی‌گزینی در کلاس طراحی معماری، هویت شهر، ۱۱ (۲۹)، صص ۶۷-۷۸.

Almusaed, A & Almssad, A. (2020) Quality assurance in a sustainable architecture creation process, Technology reports of kansai university, 7 (62): 3579- 3602.

Altman, I & Rogoff, B. (1987) World views in psychology: trait, interactional, organismic, and transactional perspectives. Handbook of environmental psychology, (1): 7- 40.

Gallup, G. (1979) Self-recognition in chimpanzees and man: a developmental and comparative perspective, New York: plenum press.

Keshavarz ghorabae, m. kazimieras-zavadskas, e. turskis, z. and antucheviciene, j. (2016) a new combinative distance-based assessment (codas) method for multi-criteria decision-making, economic computation and economic cybernetics studies and research, 3 (50), 25- 44.

Low, SM & Altman, I. (1992) Place attachment, Place attachment, 1- 12.

Ohrnberger, J; Fichera, E & Sutton, M. (2017) The relationship between physical and mental health: a mediation analysis, Social science & medicine. (195): 42- 49.

Proshansky, H; Fabian, A & Kaminoff, R. (1983) Place identity: physical world socialization of the self, Journal of environmental psychology. 3 (1): 57- 83.

Poppel, E. (1978) Time perception, Berlin: perception, springerverlag.

Stokols, D & Shumaker, S. (1981) People in place: a transactional view of settings, New Jersey: Erlbaum.

معتمدی، عبدالله (۱۳۹۲) سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی (ارتباط انسان با خود، خداوند، دیگران و طبیعت). ویژه‌نامه (سبک زندگی)، ۴ (۱۳)، ۱۲۵-۱۴۲.

مهدی‌پور، محمد و محمدباقر بهادری (۱۳۹۰) خودشناسی و اهمیت آن در اشعار حسن‌زاد آملی، نشریه زبان و ادبیات فارسی، ۶۴ (۲۲۴)، صص ۸۷-۱۱۳.

مهدی‌نژاد، جمال‌الدین و حمیدرضا عظمتی و علی صادقی حبیب‌آباد (۱۳۹۷) بررسی و بازخوانی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقا «حس معنویت» در معماری مساجد، معماری و شهرسازی پایدار، ۶ (۱)، صص ۶۱-۷۸.

مجیدی بیدگلی، کبری (۱۳۸۶) معنا و مفهوم ایمان از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، (۲۲)، صص ۷۷-۱۰۰.

نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱) حس حضور، مطلوب‌ترین برآیند ارتباط انسان با محیط، نشریه مطالعات معماری ایران، (۲)، صص ۲۷-۴۶.

نگین تاجی، صمد و مجتبی انصاری و حسنعلی پورمند (۱۳۹۶) تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرآیند طراحی معماری با رویکرد پدیدارشناسی، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۲۲ (۴)، صص ۷۱-۸۰.

نوروزی، رضا علی و هاجر کوهی اصفهانی (۱۳۹۲) بررسی و تبیین مفهوم «انسان متعالی» از منظر قرآن کریم، نشریه پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۴ (۱۴)، صص ۱۰۱-۱۲۹.

هاشم‌پور، پرینسا و زیبا سامی (۱۳۹۸) کیفیت محیطی مؤثر در زیست‌پذیری مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی امام، چمران و آسمان شهر تبریز)، مطالعات شهری، (۳۰)، صص ۵۵-۶۸.

